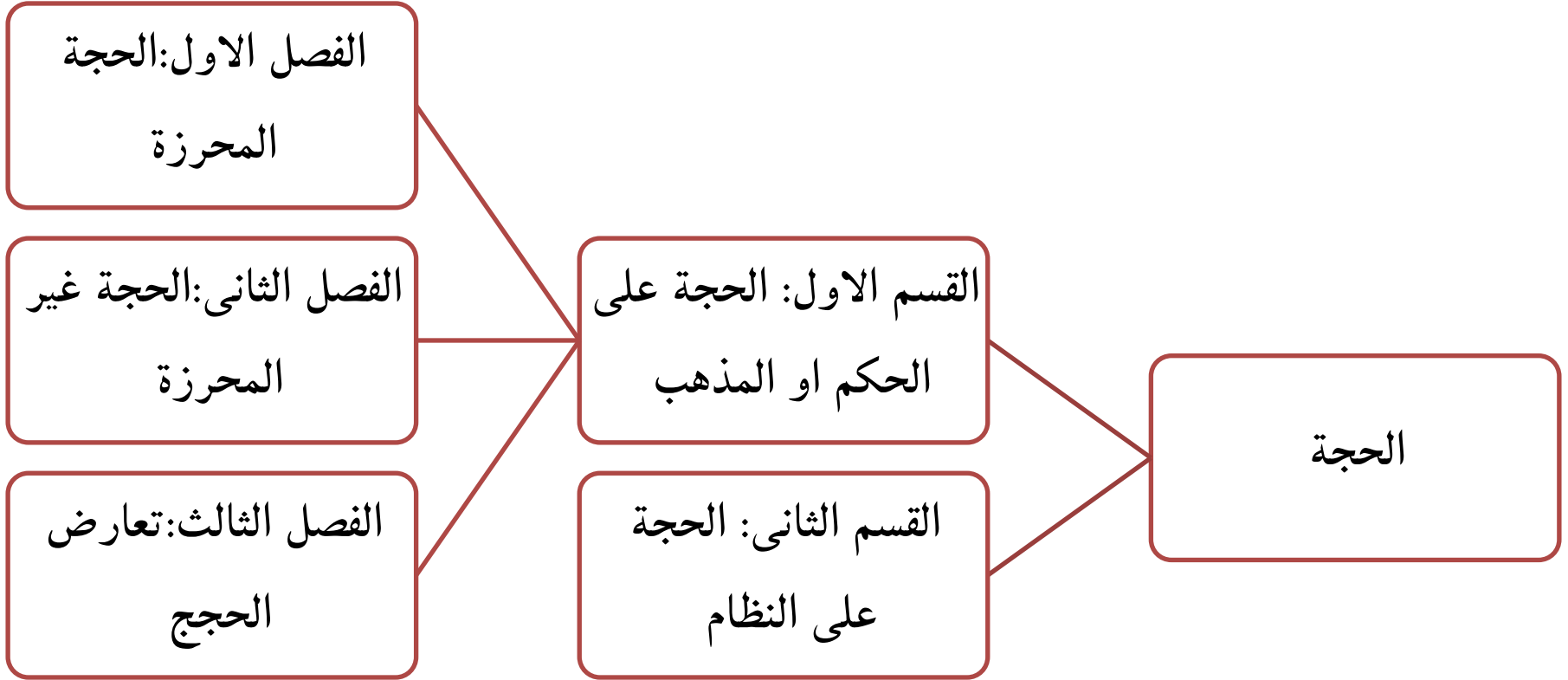


# علم أصول الفقه

۳۰-۱۰-۹۲ حجیت سیره و ارتکاز ۴۱

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

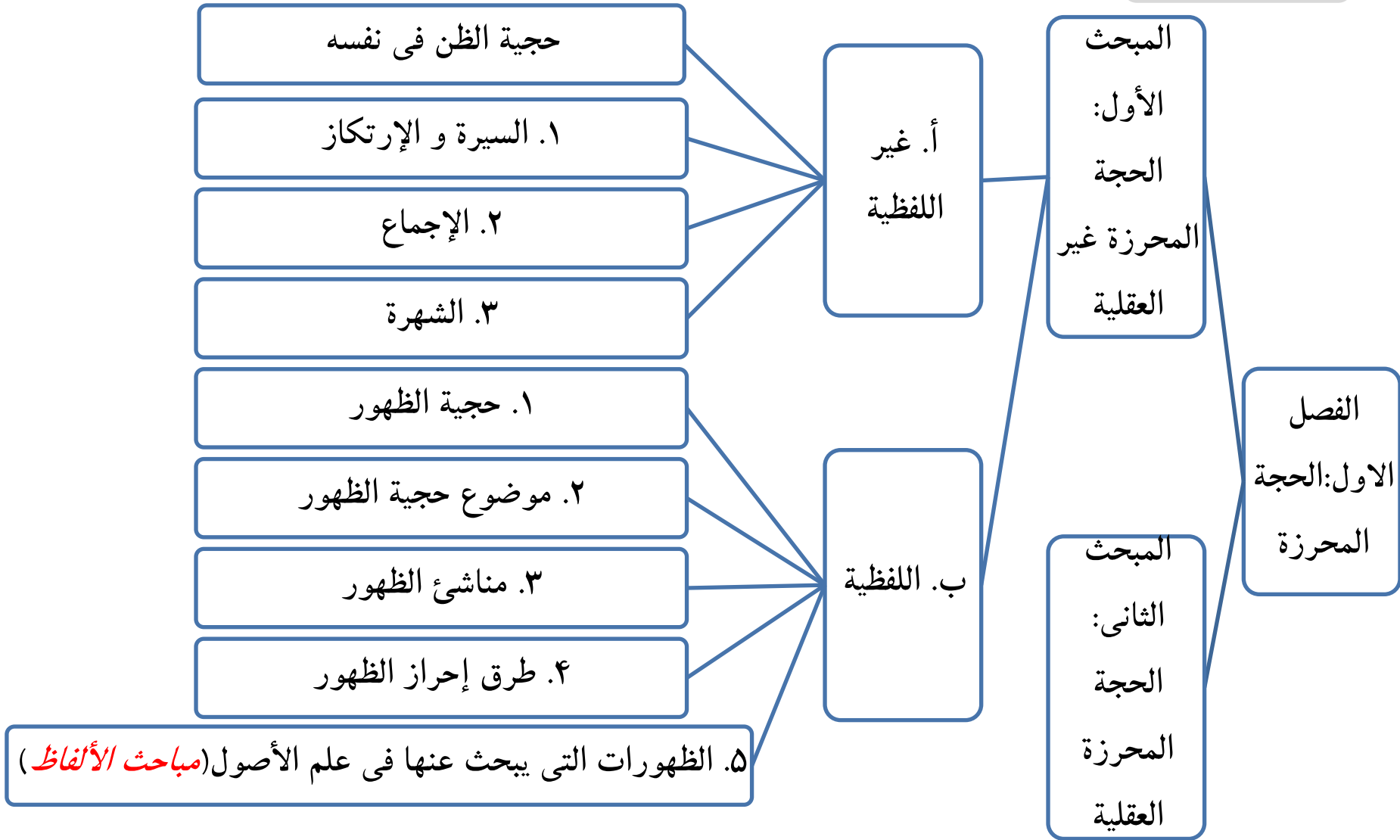
# علم أصول الفقه

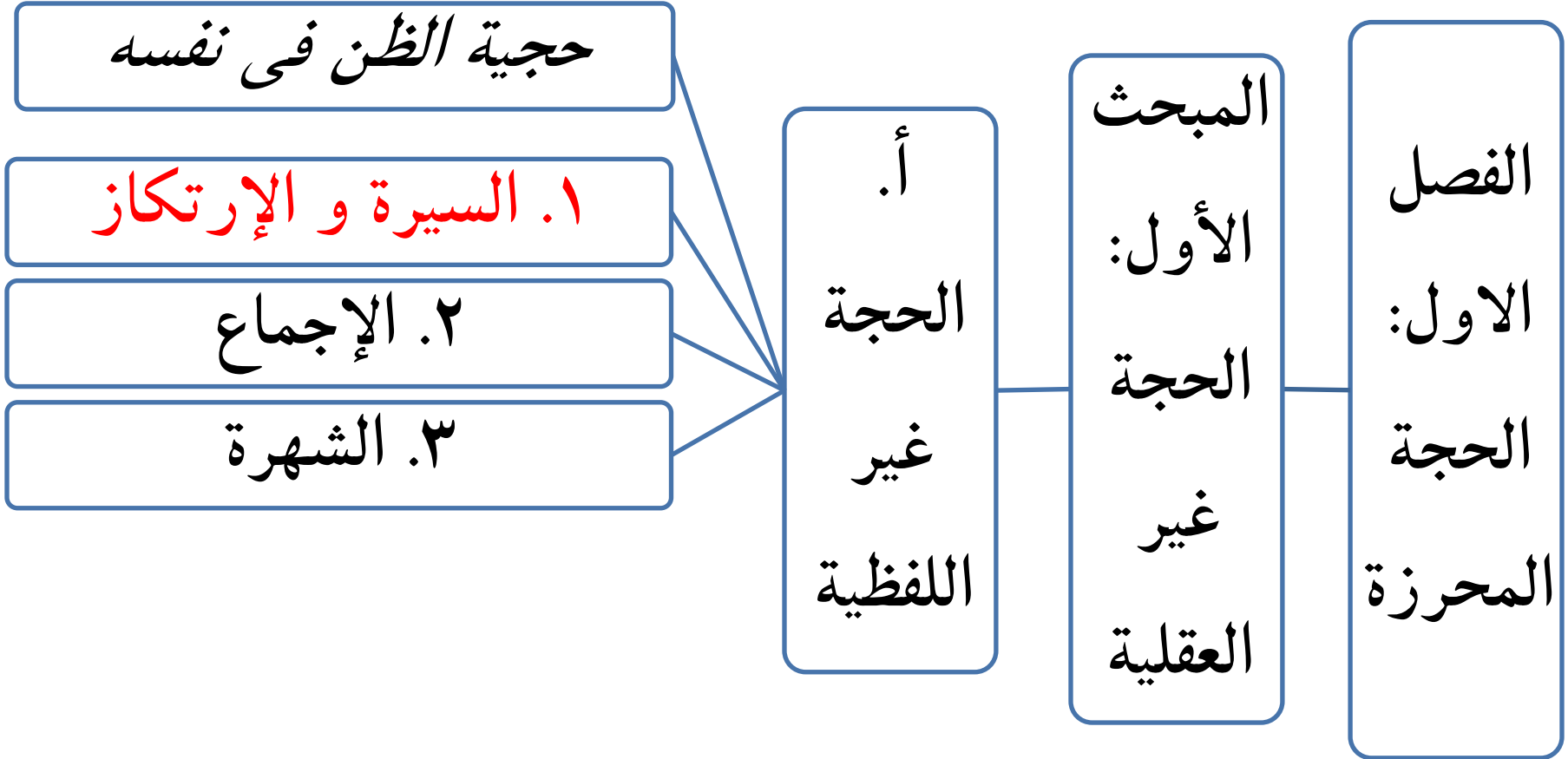


# ترتيب اصول متعارف



(الظهورات التي  
يبحث عنها فى  
علم الأصول)



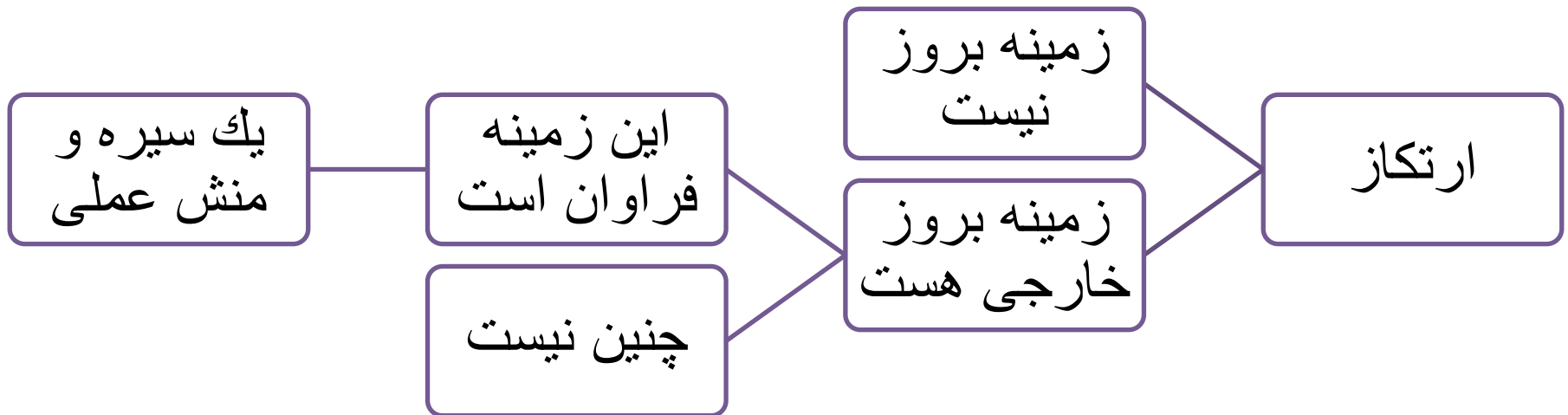


## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- مفهوم شناسی سیره و ارتکاز
- سیره منش عملی گروهی از مردم است و ارتکاز یک دیدگاه نظری است که در ذهن گروهی از مردم وجود دارد.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- بنابراین سیره از مقوله فعل و عمل و ارتکاز از مقوله فکر و نظر به شمار می آید.





## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- ارتکاز گاهی زمینه بروز خارجی پیدا می‌کند و گاهی چنین زمینه‌ای برای آن فراهم نمی‌شود.
- در فرض اول، گاهی این زمینه فراوان است و در موارد متعدد تحقق خارجی پیدا می‌کند و گاه چنین نیست.
- آنجا که ارتکاز زمینه زیادی برای بروز دارد و در خارج مصادیق متعددی از آن محقق می‌شود، در حقیقت اضافه بر ارتکاز یک سیره و منش عملی تبدیل نیز وجود دارد.
- اما آنجا که زمینه بروز یا موارد بروز یافته‌اش اندک است یا اصلاً زمینه‌ای نیست، سیره‌ای هم وجود ندارد.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- معیار تحقق سیره فقط این است که منش عملی یک گروه از مردم باشد.
- اما اینکه به لحاظ زمانی محدود یا طولانی باشد، محدوده جغرافیایی اش وسیع یا کم باشد یا گستردگی جمعیتی آن زیاد باشد یا اندک، اهمیت ندارد.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- بنابراین برای تحقق سیره کافی است که در یک دوره زمانی هر چند کوتاه یک رفتاری بروز فراوان پیدا کند؛ به گونه‌ای که بر آن «منش عملی یک گروه» اطلاق شود.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- پس بین موارد سیره و ارتکاز، عموم و خصوص من وجه برقرار است. محل اجتماع سیره و ارتکاز به لحاظ مصداقی جایی است که یک ارتکاز زمینه بروز فراوان پیدا می‌کند و به شکل یک سیره ظهور درآید. اینجا هم ارتکاز وجود دارد، هم سیره؛

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- مثلاً فرض کنید عقلا در ارتکاز خود حیازت مباحات اولیه را، موجب مالکیت می‌دانند؛ برای مثال کسی پرنده‌ای را صید کند، یا سنگی و چوبی را به در اختیار بگیریید یا درختی را از جنگل قطع کند، به دست می‌آورد، مالک آن‌ها خواهد بود است. زمینه بروز در این ارتکاز عقلایی زیاد است؛ چون پرندگان آسمان، حیوانات جنگل و دریا و... که از مباحات اولیه و اصلیه به شمار می‌آیند، فراوان هستند. در نتیجه سیره عقلا بر این قائم شد که فرد با حیازت، مالک مباحات اولیه می‌شود.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- گاهی سیره هست بدون اینکه ارتکازی باشد و آن در جایی است که گروهی از مردم رفتار مشابهی را از خودشان نشان دهند بدون اینکه نکته‌ای مشترک در ذهن آنها باشد.
- برای مثال گروهی از مردم را می‌بینیم که همه آنها به شکل یکسانی حیوانات را ذبح می‌کنند؛ ولی با جستجو در می‌یابیم که عوامل مختلفی باعث شده‌است تا ذبح یکسانی را انجام دهند.
- در اینجا هیچ ارتکازی وجود ندارد؛ چون هر کدام از ایشان دیدگاه خاص خود را دارند؛ ولی همه یک منش عملی را از خودشان نشان می‌دهند.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- شاید اشکال کنید که در این مثال هم هر کدام از این‌ها ارتکازی دارند؛ چون به هر حال هر کسی برای انجام یک کار انگیزه‌ای در درونش دارد. پاسخ این است که ارتکاز این قدر شخصی نیست که هر فکری در ذهن هر کسی را شامل شود. ارتکاز یک نکته مشترک در اذهان یک گروه از مردم است، نه نکته‌ای در ذهن یک یا دو نفر.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- در برخی موارد هم ارتکاز هست ولی سیره نیست که دو مورد برای آن وجود دارد:
- یکی جایی که زمینه بروز ارتکاز وجود ندارد
- و دیگر جایی ارتکاز زمینه بروز دارد اما هنوز به یک رفتار عمومی تبدیل نشده است؛



## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- برای مثال در فقه این بحث مطرح است که آیا انسان می تواند اعضای خود را بفروشد یا نه. ما معتقدیم انسان می تواند اعضای خودش را بفروشد. دلیل ما ارتکاز عقلا است. می گوئیم عقلا سلطه تکوینی انسان بر اعضا و جوارح خودش را برای تصرفات تشریعی مثل خرید و فروش کافی می بینند.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- به عبارت دیگر اگر کسی کلیه خودش را بفروشد یا هدیه دهد، از نظر عقلا رفتار مقبولی انجام داده است؛ زیرا کلیه وی جزئی از بدنش است و سلطه تکوینی بر آن دارد. این جواز تصرف تشریحی بدان سبب نیست که کلیه جزء اموالش به شمار می آید و او سلطه اعتباری بر آن دارد.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- به همین جهت اگر به کسی بگویند اموال خود را بشمار، اعضا و جوارح خود را در شمار اموال خود فهرست نمی‌کند؛ یعنی از نظر عقلایی این‌ها در شمار اموال او قرار نمی‌گیرند.
- به تعبیر دیگر شخص نسبت به این امور مالکیت اعتباری ندارد اما این‌ها مالیت در بازار عقلا مالیت دارند و ارزششان هم خیلی بالا است.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- این ارتکاز در زمان گذشته مثلاً ۲۰۰ سال پیش زمینه ظهور نداشت؛ چون اعضا و جوارح اشخاص قابل استفاده نبود؛ زیرا مثلاً امکان پیوند زدن این اعضا به بدن دیگران وجود نداشت. در نتیجه اگر کسی می‌گفت، من کلیه خودم را بعد از مرگ به تو می‌فروشم یا به تو می‌بخشم، کار لغوی بود. اما این بدان معنا نیست که این ارتکاز وجود نداشت.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- هرچه به زمان معاصر، نزدیک می‌شویم کم کم این زمینه پیدا می‌شود. ابزارها و روش‌های جراحی و پیوند فراهم می‌شود. در ابتدا امکانات پیوند محدود بود و تعداد کسانی که می‌توانستند پیوند بزنند و مراکزی که کار پیوند را انجام می‌دادند، اندک بودند. به طور طبیعی موارد تحقق آن هم نادر بود و هنوز به شکل یک سیره درنیامده بود.

## مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

- با گذشت ایام هر روز تعداد مراکز پیوند و تعداد پزشکان پیوند، افزایش پیدا می‌کند و ابزارها هم دائم پیشرفته‌تر می‌شوند و دامنه اعضای قابل پیوند هم روز به روز گسترش پیدا می‌کند.
- اگر الآن هم تبدیل به سیره نشده باشد، آرام آرام تبدیل به یک سیره می‌شود به گونه‌ای که خیلی از افراد اعضا یا جوارح خود را می‌بخشند یا می‌فروشند.

# مفهوم شناسی سیره و ارتکاز

• حیازت به معنای به دست آوردن و سلطه تکوینی بر چیز است.

• «مباحات اولیه» یا «مباحات اصلیه» بر اشیائی اطلاق می‌شود که در تملک کسی نیستند.

• در سمیناری که در بهمن ۱۳۸۱ هـ.ش درباره دیدگاه‌های فقهی در مسائل پزشکی برگزار شد، بحث پیوند اعضا مطرح شد و یکی از پزشکان متخصص در پیوند اعضا می‌گفت: بیشتر اعضای بدن انسان قابل پیوند است و دامنه‌اش دائم در حال توسعه است.

• بعضی از اعضا و جوارح مثل کلیه را احياناً در زمان حیات هدیه می‌کنند یا می‌فروشند. در مورد کلیه گفته می‌شود وقتی یک کلیه جدا شد، تغییری در سیستم بدن رخ می‌دهد و کلیه دیگر بزرگ می‌شود و کار دو کلیه را انجام می‌دهد. ولی معمولاً فروش اعضا در زمان حیات انجام نمی‌شود؛ مثل قلب به دلیل اینکه زندگی بدون آن ممکن نیست، یا چشم که نبودش ضرر معتنی به عقلایی دارد و کسی به صورت طبیعی حاضر نمی‌شود یک چشم خود را برای بینایی دیگری بدهد. البته می‌دانید استفاده بعد از مرگ هم با محدودیت مواجه است، به همین دلیل معمولاً استفاده از اعضا در مواردی است که مرگ مغزی صورت بگیرد و حیات نباتی شخص هنوز باقی باشد؛ اما در مواردی که فراتر از مرگ مغزی است و حیات نباتی قطع می‌شود، فرصت استفاده از این اعضا بسیار محدود می‌شود و از یک الی سه ساعت و در بعضی از اعضا تا هفت ساعت امکان پیوند وجود دارد.

• به نظر می‌رسد ممکن است مانند این سیره را ناشی ارتکاز بدانیم منتهی نه یک ارتکاز واحد بل مجموعه ای از ارتکازات یا تلفیقی از ارتکازات و دیدگاه‌های شخصی که نتیجه واحد در پی دارند و از اساس استاد در مثال بحث را به گونه ای تقریر کرده که گویا صاحبان این نکته فقط می‌تواند یک یا دو نفر باشد پس در جواب بگوییم یکی دو نفر که ارتکاز درست نمی‌کند بلکه صرف فرض بودن این مثال مشکلی نیست

## تقسیم سیره و ارتکاز

- تقسیم سیره و ارتکاز
- سیره و ارتکاز را به لحاظ همان مردمی که دارای سیره و ارتکاز هستند، طبقه‌بندی می‌کنیم؛ یعنی جهت تقسیم به اصطلاح علم منطق مردمی هستند که از چنین روش عملی یا چنان دیدگاه نظری برخوردارند نه خود سیره و ارتکاز.



## تقسیم سیره و ارتکاز

- در یک طبقه‌بندی می‌توان کل سیره‌ها و ارتکازها را به دو قسم «عام» و «خاص» تقسیم کرد:
- ۱- سیره و ارتکاز عام
- این قسم سیره و ارتکازی است که به لحاظ موقعیت جغرافیائی، زمان، مکان، تنوع قومی و ملی به گروه خاصی از مردم اختصاص ندارد و در تمام اعصار و امصار مشاهده می‌شود. به این قسم، سیره و ارتکاز عقلائی هم می‌گوییم.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- تسامح در بکارگیری اصطلاح سیره و ارتکاز عقلائی
- گاهی از چیزی به ارتکاز و سیره عقلائی تعبیر می‌کنند و مقصودشان ارتکاز و سیره عقلای یک زمان است نه عقلا بما هم عقلا؛ مثل اینکه فرض کنید همه مردم کره زمین در روزگار ما دیدگاه‌های مشترکی دارند که نتیجه فرهنگ عمومی حاکم بر جهان است.
- ما به این ارتکاز عقلا نمی‌گوییم؛ البته صرف جعل اصطلاح عیب ندارد. در چنین مواردی باید اصطلاح را مقید کنیم و بگوییم مثلاً ارتکاز عقلای قرن دوم هجری. همچنین اگر خاصی از عقلا چنین سیره‌ای سیر عقلایی نیست.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- ارتکازی نبودن تساوی حقوق زن و مرد
- برخی می گویند که در زمان معصومین - علیهم السلام - عدم تساوی حقوق زن و مرد جزء مرتکزات عقلائی بود. این افراد این یک مغالطه است. ممکن است گروهی از عقلا چنین ارتکاز یا چنین سیره‌ای داشته باشند ولی این به معنا عقلایی بودن نیست؛ چون ارتکاز عقلایی آن است که چیزی از حیثیت عقلائی عقلا برخاسته باشد و به تعبیر دیگر عقلا بما هم عقلا از چنین دیدگاه برخوردارند. در این مثال آنچه مرتکز عقلایی به حساب می آید، این است که زن از آن جهت که انسان است از حقوق انسانی برخوردار است و از آن جهت که انسانی است با ویژگی‌های خاص خود حقوق او با مرد فرق می‌کند. در حقیقت عکس چیزی که این عده ادا می‌کنند.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- ۲- سیره و ارتکاز خاص
- سیره یا ارتکاز خاص به به گروهی از مردم اختصاص دارد. این قسم به لحاظ اقوام، زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تنوع بسیار زیادی دارند؛ مثلاً سیره یا ارتکاز ایرانیان یا ایرانیان باستان یا لرهای ایران یا اهل فارس.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- سیره و ارتکاز متشرعه
- از بین تمام سیره‌ها و ارتکازات خاص فقها فقط به سیره و ارتکاز متشرعه توجه کرده‌اند. کلمه «متشرعه» بر پیروان یک دین اطلاق می‌شود و مقصود اصولی‌ها به صورت خاص در این بحث اسلام است. بنابراین سیره و ارتکازی که در لسان فقها و اصولی‌ها به کار می‌رود، همان سیره و ارتکاز مسلمانان است.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- این سیره و ارتکاز را به لحاظ مذاهب اسلامی می‌توانیم طبقه‌بندی کنیم؛ برای مثال سیره و ارتکاز شیعیان را از سیره و ارتکاز سایر مسلمانان جدا کنیم.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- در فقه و اصول معمولاً این جدایی به صورت واضح دیده نمی‌شود؛ یعنی توضیح داده نمی‌شود که مقصود از متشرعه همه مسلمانان هستند که ظاهر تعبیر متشرعه است یا گروه خاصی از ایشان یعنی شیعیان؛ چنان‌که در مقام تطبیق در بسیاری از موارد مقصود همین دومی است.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- به هر حال هیچ یک از این دو تعبیر «ارتکاز و سیره مسلمانان» و «ارتکاز و سیره شیعیان» در کتاب‌های فقهی یا اصولی رایج نیست. تعبیر رایج همان «سیره و ارتکاز متشرعه» است که از ابهام پیش‌گفته برخوردار است.



## تقسیم سیره و ارتکاز

- مقصود ما از ارتکاز و سیره متشرعه آن دیدگاه یا آن منش عملی است که مسلمانان از آن جهت که مسلمانند یا شیعیان از آن جهت که شیعه هستند، آن را دارند.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- بنابراین اگر یک رفتار عمومی را در بین مسلمانان می بینیم، لزوماً سیره متشرعه نیست؛ چون ممکن است این رفتار برخاسته از حیثیت تشریح آنها نباشد.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- همچنین اگر ارتکازی را در بین متشرعه می بینیم، نمی توانیم بگوییم حتماً ارتکاز متشرعه است؛ زیرا ممکن است نتیجه شرایطی باشد که الآن متشرعه در آن زندگی می کند و ارتباطی به تشرعشان نداشته باشد.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- بنابراین برای اینکه احراز کنیم که یک ارتکاز یا سیره، ارتکاز و سیره متشرعه است، اضافه بر اینکه باید ثابت کنیم که چنین دیدگاهی یا چنان منش عملی وجود دارد، باید ثابت کنیم که این دیدگاه و آن منش عملی برخاسته از حیثیت تشریح آنها است.

## تقسیم سیره و ارتکاز

- این تقسیم، اولی است؛ یعنی خود سیره یا ارتکاز به این دو دسته تقسیم می‌شوند نه اینکه یک قسم خاص از سیره یا ارتکاز دارای این تقسیم باشند؛ به عبارت دیگر مقسم تقسیم خود سیره و ارتکازند نه یک قسم از آن دو.
- روزی یک تیم خبرنگاری از رادیوی انگلیسی BBC برای مصاحبه درباره حقوق زن به قم آمده بودند. همین بحث حقوق زن مطرح شد. تهیه کننده آن برنامه هم یک خانم بود. بحث شد که چرا اسلام قائل به تساوی حقوق زن و مرد نیست. من به آن‌ها گفتم که شما هم به ارتکاز عقلایی‌تان معتقدید زن و مرد در تمام حقوق مساوی نیستند. یکی از نشانه‌هایش این است که شما در هیچ مسابقه استانداری اجازه نمی‌دهید زن و مرد به صورت مختلط مسابقه دهند؛ چون قبول دارید که توانایی‌های زن با مرد یکسان نیست. حال که این عدم تساوی را در آنجا که پذیرفتید، در قابلیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم پذیرید. ما نیز نمی‌گوییم یکی پایین‌تر و دیگری بالاتر است، بلکه معتقدیم تفاوت دارند.